



امام صادق (ع) و معماری علوم اسلامی صحیح

در زمان امام صادق (ع)، نهضت‌های فرهنگی زیادی وجود داشت که بسیاری از آنها اسلام را تهدید می‌کردند. در این شرایط، امام صادق (ع) با تمام قوا، با همه‌ی این جریانهای فکری مختلف برخورد کرد...

در زمان امام صادق (ع)، نهضت‌های فرهنگی زیادی وجود داشت که بسیاری از آنها اسلام را تهدید می‌کردند. در این شرایط، امام صادق (ع) با تمام قوا، با همه‌ی این جریانهای فکری مختلف برخورد کرد. مکتب امام صادق (ع) دانشگاه بزرگی بود که با حضور عالمان بزرگ رشته‌های حدیث، تفسیر، حکمت و ... زینت یافته بود و هرگاه مراقبت و کنترل برطرف می‌شد، کوفه، بصره، واسط و حجاز، نخبگان خود را به مدینه و دانشگاه امام صادق (ع) گسیل می‌داشتند.

عصر امام صادق (ع) در عصری می‌زیست که جامعه، علاوه بر دست به گریبان بودن با امواج کینه و ستم امویان، با آشفتگی‌های فکری و عقیدتی نیز درگیر بود. علاوه بر این، در آن دوران به دلیل مراقبت‌های شدیدی که از طرف بنی‌امیه اعمال می‌شد، کسی جز با مخفی‌کاری و تقیه نمی‌توانست با اهل بیت (ع) رابطه برقرار کند. اما در فاصله فروپاشی دولت اموی تا تثبیت دولت عباسی، مجال برای امام صادق (ع) فراهم آمد و ایشان با نهایت استفاده از این فرصت مناسب، جنبش علمی - فرهنگی تشیع را طرح‌ریزی نموده و دانشگاه و مکتب خویش را بنیان نهاد تا به وظیفه‌ی خویش عمل کرده، احکام دین را تبلیغ و تبیین نماید.

علم امام صادق (ع)

امام صادق (ع) از نظر فضل و دانش بر دیگران - از جمله بر برادرانش - برتری داشت و همه جا از ایشان به عظمت یاد شده است. اهل سنت، علوم و اطلاعات بسیاری از آن حضرت نقل کرده‌اند و طالبان علم و دانش از اطراف و انکاف برای درک فیض کمالات، او بر در سرای او بار می‌افکندند. دانشمندان به اندازه‌ای که از خرمن فضائل او استفاده کرده‌اند، از هیچیک از اهل بیت پیامبر (ص) او بهره‌مند نشده‌اند. همچنین ناقلان آثار و مطلعان اخبار به قدری که از آثار و اخبار او نقل کرده‌اند از دیگری کسب اطلاع ننموده‌اند. (1)

سرچشمه علوم مختلف

در زمان امام صادق (ع)، نهضت‌های فرهنگی زیادی وجود داشت که بسیاری از آنها اسلام را تهدید می‌کردند. مثلاً "زنداقه" - یعنی منکران خدا، دین و پیغمبر - در این زمان ظهور کردند. یا "مسئله تصوف" به شکل جدیدی پدید آمده بود. همچنین فقهای روی کار آمده بودند که فقه را بر اساس منابع غیر صحیح - مثل رأی و قیاس - استنباط می‌کردند. نتیجه اینک اختلاف فکری شدیدی که در این برهه در دنیای اسلام پدید آمده بود، نظیرش یافت نشده است. (2)

در این شرایط، امام صادق (ع) با تمام قوا، با همه‌ی این جریانهای فکری مختلف برخورد کرد. مکتب امام صادق (ع) دانشگاه بزرگی بود که با حضور عالمان بزرگ رشته‌های حدیث، تفسیر، حکمت و ... زینت یافته بود و در حوزه درس ایشان، غالباً دو هزار تن و گاه حتی تا چهار هزار نفر شرکت می‌کردند. کسانی که در جلسات درس ایشان حضور می‌یافتند، دانش‌طلبان و راویان حدیث بودند که از جاهای دور می‌آمدند. هرگاه مراقبت و کنترل برطرف می‌شد، کوفه، بصره، واسط و حجاز، نخبگان خود را به مدینه و دانشگاه امام صادق (ع) گسیل می‌داشتند. (3)

قرائت قرآن

در این زمان، در زمینه تفسیر قرآن و قرائت آیات قرآنی بحثهایی آغاز شد و طبقه‌ای به نام [#171;قرآء«](#) به وجود آمد که قرآن را قرائت می‌کردند و کلمات قرآن را به به مردم می‌آموختند. (4)

اما صادق (ع) با مباحثه درباره قرائت آیات قرآن و تفسیر آیات قرآن و نیز با تربیت شاگردان خود شیوه صحیح قرائت و تفسیر را تبیین فرمودند. [#171;ابان بن تغلب«](#) و پس از او [#171;حمزة بن حبيب«](#) که از شاگردان و اصحاب امام صادق (ع) هستند، اولین تدوین کنندگان قرآات هستند. (5)

تفسیر قرآن

در تفسیر و بیان معانی قرآن نیز بازار مباحثه داغ بود و در حوزه حدیث و روایاتی که از پیغمبر رسیده بود نیز، اوضاع به همین منوال

فقه

نحله های فقهی نیز در این دوره پدید آمده بودند، در مراکز مختلف، طبقاتی به نام [171#«فقه](#); به وجود آمده بودند و جنگ عقایدی در زمینه فقهی نیز ایجاد شده بود. (7)

ابان بن تغلب علاوه بر علم به وجوه قرائت، در علم تفسیر، حدیث، فقه، لغت و نحو، امام زمان خود بوده است. او 30 هزار حدیث از امام صادق (ع) حفظ داشت و تصانیف بسیاری از جمله (تفسیر غریب القرآن) (کتاب فضایل) (کتاب احوال صفین) از اوست. (8) همچنین کتابهای معانی القرآن، کتاب القرائت و کتاب من الاصول فی الروایه علی مذهب الشیعه از جمله تألیفات وی به شمار می رود. (9)

گذشته از این، هم اکنون روایات فقهی امام صادق (ع) در کتب اربعه ("تهذیب" و "استبصار" شیخ طوسی، "کافی" کلینی و "من لایحضره الفقیه" شیخ صدوق)، گردآوری شده است.

کلام

از بحثهای دیگری که در این زمان ایجاد شد، بحثهای کلامی بود. متکلمین در اصول عقاید (توحید، ذات و صفات خدا و...) و مسائل اصولی (جبر، اختیار، قضا و قدر) بحث می کردند. (10)

از آن حضرت در علم کلام و رد دهریون، روایات بی شماری نقل شده است، کتاب توحید مفضل برای نمونه ای از این باب کافی است. (11) ابو عبدالله جعفری کوفی، معروف به [171#«مفضل](#); از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بود. مقام علمی و دانش غیر قابل انکار او در موضوع توحید، گروهی (حاسدان) را بر آن داشت تا او را دارای اعتقاد نادرست و نقل ناروا خوانند، در حالیکه دانشمندان مشهوری چون شیخ طوسی در کتاب رجال خود و شیخ مفید در کتاب ارشادش، او را از یاران بزرگ و مورد اعتماد امام صادق (ع) دانسته اند. کتاب توحید مفضل رساله ای مذهبی و کلامی به زبان عربی بوده و مشهورترین رساله ای است که بیانات امام صادق (ع) را درباره توحید خداوند و اثبات ذات باری تعالی جمع آوری نموده است، این رساله جایگاه علمی مفضل را نشان می دهد.

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مفضل وارد شد. همین که چشم امام به او افتاد، تبسمی نموده و فرمودند: [171#«نزد من بیا ای مفضل، به خدا قسم تو را دوست دارم و دوستان تو را نیز دوست دارم. اگر تمام اصحاب من معرفت تو را داشته باشند، دو نفر با یکدیگر اختلاف نخواهند داشت](#); مفضل عرض کرد: [171#«یا بن رسول الله گمان می کنم جایگاه مرا خیلی بالا بردید](#); حضرت فرمودند: [171#«اینگونه نیست، بلکه من تو را در منزلت و جایگاهی قرار دادم که خداوند تو را در آن منزلت قرار داده است](#) (12).

اصول فقه

همچنین از پاسخهای آن حضرت در خصوص سؤالات فقهی و غیره کتابهای فراوان و ارزشمندی تدوین شده است. اصول مهم و اساسی علم اصول فقه از آن حضرت فرا گرفته شده و چهارصد تألیف از چهارصد نویسنده درباره پاسخهای آن حضرت در زمینه سؤالات اصول فقه پدید آمده که به نام الاصول الاربعمائیه مشهور است. (13) آثار به جای مانده در زمینه حدیث از امام صادق (ع) بیشتر از سایر معصومین است. هیچ کتاب فقهی، حدیثی و تفسیری شیعه نمی تواند از کلام امام صادق (ع) خالی باشد.

شاگردی بزرگان اهل سنت نزد امام صادق (ع)

حضور در دانشگاه امام صادق (ع) فقط مخصوص شیعیان نبود، بلکه رهبران برجسته اهل سنت در عرصه حدیث مانند ابوحنیفه، مالک بن انس، سفیان بن ثوری، سفیان بن عیینه، یحیی بن سعید، فضیل بن عیاض که خود پیشوای مذاهب و از حافظان حدیث مورد اعتماد بودند. (14)

[171#«نعمان بن ثابت](#); معروف به "ابوحنیفه" پیشوای مذهبی حنفی است. این سخن از وی مشهور است که: [171#«کسی را دانایتر از جعفر بن محمد ندیدم](#); و نیز: [171#«اگر آن 2 سالی که از جعفر استفاده علمی کردم نبود، هلاک شده بودم](#); وی 2 سال متوالی در مدینه بود و از امام بهره مند شد.

[171#«مالک بن انس](#); پیشوای مذهب مالکی نیز رابطه کاملی با امام داشت و از او حدیث نقل کرده است. این گفته اوست که: [171#«کسی را از جعفر بن محمد برتر ندیدم](#) (15).

از دیگر شاگردان آن حضرت در فقه و حدیث و کلام می توان به زرارة بن امین، مؤمن الطاق، معلى بن خنیس، هشام بن حکم و هشام بن سالم اشاره کرد، که هر کدام استاد برجسته و پایه گذار علوم گوناگون شده و کتابهایی برای نسل های آینده تألیف نمودند. هشام بن حکم در بحث و مناظره و علم کلام نبوغ و در این فن بر دیگران برتری داشت. او از متکلمین شیعه و از کسانی بود که بحث درباره امامت را می شکافت. او در علم کلام ماهر و حاضر جواب بود. (16)

هشام کتابهای بسیار نوشت و با علمای ادیان و مذاهب مباحثه های جالبی انجام داد. از جمله کتابهای او می توان به کتاب الامامة، کتاب الرد علی زنادقه، کتاب التوحید، کتاب اختلاف الناس فی الافاقه، کتاب الرد علی المعتزله فی طلحه و الزبیر اشاره نمود. (17)

یکی دیگر از علومی که از محضر امام صادق (ع) نشأت گرفته است و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافت، علم شیمی است. جابر بن حیان کفی، شاگرد ممتاز و شایسته ایشان در این علم بود. ابن ندیم در الفهرست از جابر بن حیان یاد کرده و در حدود صد و پنجاه کتاب به او نسبت می‌دهد که بیشتر آنها در علوم عقلی، کیمیا (شیمی)، خواص طبایع اشیاء است. این خلکان نیز معتقد است که جابر شیمیدان و شاگرد امام صادق (ع) بوده است. (18)

تشویق به تفکر

یکی دیگر از نقاط قوت روشن امام صادق (ع) در تبیین دین، ارزش قائل بودن بر تعقل و تفکر است. با رجوع به کتابهای حدیث شیعه می‌توان مشاهده کرد که اولین مبحث عنوان (کتاب العقل و الجهل) می‌باشد و پس از آن وارد (کتاب التوحید) می‌شویم. در صورتیکه در تمام کتب حدیث اهل سنت: صحیح بخاری و مسلم، جامع ترمذی، سنن ابی داوود و صحیح سنائی، جز مسائل فرعی و احکام چیز دیگری نمی‌یابیم.

در مکتب شیعه صدها و بلکه هزارها بحث در باب توحید و صفات خدا و شؤون الهی، قضا و قدر و جبر و اختیار و مسائل عقلی مطرح است که در کتب دیگر مطرح نشده است.

همه اینها موجب شده است که امام صادق (ع) را اولین کسی بدانیم که در دنیای اسلام، مدارس عقلی فلسفی را تأسیس کرده است. (19)

امام صادق (ع) در طول 34 سال امامت با برکتشان با نشر روایات و تعالیم اسلامی، تدریس رشته‌های گوناگون علوم و تربیت شاگردان بسیاری به مبارزه با عقاید و مکتبهای باطل و منحرف برخاست. ایشان با پاسخ و شبهه‌های گوناگون و از بین بردن افکار الحادی کوشید تا اندیشه‌های منحرف را اصلاح کند. وظیفه‌ی الهی خویش را در محورهای علمی فرهنگی به انجام برساند. او عقاید ناب اسلام محمدی را آشکار ساخت و پویایی و پیشرفت مذهب تشیع مرهون زحمات بی‌دریغ این پیشوای بزرگ است.

.....

پی‌نوشت‌ها :

1. شیخ مفید؛ الارشاد؛ ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی؛ تهران: کتابفروشی اسلامیه، 1351.
2. مرتضی مطهری؛ سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام؛ قم: انتشارات صدرا، 1367؛ چاپ اول، ص 137-138
3. اسد حیدر؛ امام صادق و مذاهب چهارگانه؛ ترجمه حسن یوسفی اشکوری؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، 1369؛ چاپ اول؛ ج 1 ص 59
4. مرتضی مطهری؛ همان، ص 144
5. سید محمد باقر حجتی؛ پژوهشی در تاریخ قرآن؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366؛ چاپ چهارم؛ ص 311
6. مرتضی مطهری؛ همان.
7. تقی الدین الحسن بن علی بن داود حلی؛ کتاب الرجال؛ نجف: نشر حیدریه؛ ص 29
8. مرتضی مطهری؛ همان، ص 145 و 146.
9. محمد بن اسحاق بن ندیم؛ الفهرست؛ ترجمه محمدرضا تجدد؛ تهران: انتشارات اساطیر، 1381؛ چاپ اول، ص 403
10. مرتضی مطهری؛ همان.
11. سید محسن امین؛ سیره معصومان؛ ترجمه علی حجتی کرمانی؛ تهران: سروش، 1374؛ چاپ اول؛ جلد ششم؛ ص 67
12. شیخ محد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1403 هـ؛ چاپ سوم؛ جلد 47؛ ص 395.
13. سید محسن امین؛ همان؛ ص 67.
14. اسد حیدر؛ همان، ص 100.
15. اسد حیدر؛ همان، ص 100.
16. محمد بن اسحاق بن ندیم؛ همان، ص 327
17. محمد بن اسحاق بن ندیم؛ همان، ص 328
18. مرتضی مطهری؛ همان، ص 157
19. مرتضی مطهری؛ همان، ص 155

منبع: ابنا